

آموزش تحلیل سیاسی / چرا ائمه بر اشک بر امام حسین (ع) تأکید می‌کردند؟

اولین نهضتی که بعد از عاشورای حسینی از طرف شیعیان به وجود آمد، نهضت توأین بود. اینها آمدند در آن مرقد پاک دور هم جمع شدند - کتب تواریخ اینها را نوشته‌اند - مبلغ زیادی اشک ریختند. بعضی خیال می‌کنند این گریه وسیله‌ی عقده‌گشایی است؛ بله، گریه وسیله‌ی عقده‌گشایی است، در صورتی که با فکر همراه نباشد. اما اگر فکر و اندیشه به انسان را فقط احساسات هدایت بکند، همین است که گفته‌اند، اما اگر فکر و اندیشه به انسان اشکی بدهد و چشم انسان قطره‌ی اشکی بچکاند، این مثل همان آب کبابی است که آتش را تیزتر و تندتر می‌کند؛ این عقده نیست، سلاح است؛ لذا است که گریه جزو کارهای معمولی شیعیان صدر اول است که همه‌ی آنها در راه ستیزه‌گری بودند. همه‌ی آنها در راه عاشورا قدم برمی‌داشتند. امام جعفر صادق (ع) اهل گریه است؛ امام رضا (ع) اهل گریه است؛ شعرا را وادار می‌کنند و می‌گویند این قصائد بلند را بگویند.

حمایت از کالای ایرانی
تابلوساسی
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه‌ها و جریانها
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۹۷ / دوشنبه ۷ آبان ۱۳۹۷

انقلاب خمینی، اربعین حسینی

صبح نو: شاید سی و چند سال قبل زمانی که رزمنده‌های ایرانی چند ساعت مانده به عملیات، پشت پیراهن‌شان مشغول خوش‌نویسی شعار «راه قدس از کربلا می‌گذرد» می‌شدند، اگر کسی پیدا می‌شد و به آن‌ها می‌گفت که باز شدن راه کربلا خیلی دور از دسترس نیست، کسی باور نمی‌کرد. در عظیم بودن حال و هوای این روزهای اربعین و جمعیت میلیونی شاهراه نجف-کربلا همین بس که نه ۱۰۰ یا ۵۰ سال قبل که تا همین ۳۰ سال قبل هم چیزی به اسم زیارت کربلا بیشتر تنه به تنه رؤیا می‌زد تا آنکه حقیقت داشته باشد. حالا و این روزها در آن سوی مرزهای غربی کشور دیگر خبری از دیکتاتور مغرور و سابق عراق نیست. دیکتاتور را با وضعیت چندش‌آوری از یک سوراخ بیرون کشیدند و پای چوبه‌دار بردند و اعدامش کردند تا به ته خط برسد و راهی جهنم شود. این طرف مرز اما ایرانیانی که روزگاری با دیکتاتور می‌جنگیدند، حالا ژنرال‌هایشان به قهرمان‌های منطقه‌ای تبدیل شده‌اند. مرزهای انقلاب خمینی، حالا باز و بازتر شده. اگر آن روزها محدود به جغرافیای سیاسی سرزمینی به نام ایران بود و پشت دروازه‌های خرمشهر پنجه‌درپنجه باطل انداخته بود، حالا خودش را پشت مرزهای سرزمین‌های اشغالی و چند صد کیلومتری قدس شریف رسانده. انگاری که شعار پشت پیراهن سی و چند سال قبل رزمندگان ایرانی (راه قدس از کربلا می‌گذرد) دارد قدم‌به‌قدم به تحقق نهایی‌اش نزدیک می‌شود. کسی چه می‌داند شاید تحقق نهایی این شعار هم خیلی دور از دسترس نباشد. مگر سی و چند سال قبل، کسی تصور می‌زبانی تمام‌قد عراق از ایرانیان را می‌کرد که حالا ادامه شعار پشت پیراهن رزمندگان را دور از دسترس بدانیم. مانده ادامه راه نیمه‌تمامی که فعلاً به کربلاش رسیده‌ایم.

مشکل تراشی‌های کاذب برای اقتصاد

کیهان: وقتی جماعتی می‌گویند مشکل اقتصاد ایران سیاسی است یعنی به صورت غیرمستقیم می‌خواهند بر کم‌کاری‌ها، بی‌تدبیری‌ها و حتی بر رانت‌ها سرپوش بگذارند. برای نمونه تنها به همین موضوع جنگ اقتصادی آمریکا با ایران و ترکیه نگاه و اقدامات دو دولت را با هم مقایسه باید کرد. در ترکیه به مردم گفته شد در چنین شرایطی بهتر است حتی دلارهای خود را به بازار ارز آورده و بفروشید اما اینجا دقیقاً برعکس عمل شد.

۵ هنر ضد تحریمی

خراسان: دور جدید تحریم های آمریکا علیه ایران، در حالی به ساعت صفر خود در ۱۳ آبان ماه نزدیک می شود که به نظر می رسد این مرتبه، برخلاف تحریم های سال ۹۱، اوضاع و شرایط کاملاً متفاوت است. از یک سو، برخلاف ادعای آمریکایی ها، هم اینک بیش از پیش آشکار شده است که صفر شدن درآمدهای نفتی کشور و حتی پایین آمدن این رقم از یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه راه باریکی به تحقق دارد. از سوی دیگر روند جریان سیاسی بین المللی عملاً باعث شده تا آمریکا بیش از پیش خود را در تحریم ایران تنها ببیند. این ها همه بدان معنی است که در یک نگاه کلی، امکان تاثیرگذاری تحریم ها در آبان ماه، کمتر از تحریم های دور پیشین است. با این حال، محورهای چرخش دولت به سوی مواجهه موثرتر با تحریم های آمریکا را می توان به صورت زیر بیان کرد. ۱- بازیابی تئوریک: شاید مهم ترین کاری که دولت باید انجام دهد، این است که از نظر تئوریک، خود را به نحو موثری بازیابی کند. با اذعان به این که کلید حل اقتصاد ایران در فرقه گرایی اقتصادی نیست و باید به کمک درمانگران اقتصادی از زوایای مختلف به درمان آن پرداخت، باید از دولت تقاضا کرد که به طور واقعی و نه احیاناً صوری، ذخیره دانایی اقتصاددانان ایران از طیف های گوناگون را به رسمیت بشناسد. ۲- رعایت چرخه کامل سیاست گذاری: نیاز به یادآوری به مسئولان نیست که پس از تدوین علمی و همه جانبه هر طرح اقتصادی، اجماع آفرینی گامی مهم در پذیرش و مقبولیت مردم درباره طرح اقتصادی مربوط است. کاری که در کشور ما و به خصوص در دولت اخیر، گاه با یک اعلام خبری رفع و رجوع می شود. ۳- تمرکز بر گلوگاه ها: شاید بتوان اقدامات اولویت دار اقتصاد ایران را همان گلوگاه های اقتصادی نامید که تلاش برای حل آن ها، نتیجه ای چند برابر عاید اقتصاد کشور می کند. حل ریشه ای معضل ترانزنامه بانک ها، جلوگیری از رشد ارزش سرمایه ها در اقتصاد بدون ایجاد ارزش افزوده، ایجاد فضا برای طیف گسترده ای از سیاست های رفاهی و حمایتی به کمک تعیین دقیق دهک بندی آحاد جامعه از جمله گلوگاه هایی هستند که در دستگاه های اجرایی مختلف می توانند مورد توجه قرار بگیرند. ۴- سر و سامان دادن به وجهه رسانه ای و تعاملی سیاست ها: رسانه، عنصر مغفول و مظلوم سیاست های اقتصادی به خصوص در دولت اخیر بوده است. مردم اگر در تعامل رسانه ای با دولت بدانند که به عنوان مثال، در یک سال، چه مسائل و گلوگاه هایی از دست و پای زندگی آن ها باز خواهد شد، بهتر می توانند با سیاست های دولت همراهی کنند و آشفتنگی و پراکندگی ذهنی مردم و سرمایه های اجتماعی، نظیر آن چه اکنون شاهد آن هستیم، کمتر پیش می آید. ۵- تقویت واقعی امید اقتصادی: به نظر می رسد تقویت واقعی امید اقتصادی نه در مسائل سیاسی و آزادی های رهاگونه اجتماعی و رفع حصر و آزادی زندانیان سیاسی و ...، بلکه از طریق اقدامات واقعی برای بهبود وضع اقتصادی کشور حاصل می شود. در خاتمه، تقاضا از دولت محترم این است که هدف دشمن برای قلب ماهیت ۱۳ آبان امسال را به نقطه امیدی برای حل گشایش های واقعی اقتصادی مردم تبدیل کند. به عبارت دیگر، تحریم ها را به عنوان اهرمی تاریخی برای توسعه کشور به کار گیرد.

بهبانه جدید اروپا برای دبه!

فرهنگیان: چند روز بیشتر تا سیزدهم آبان و آغاز تحریم‌های نفتی ایالات متحده علیه ایران باقی نمانده. اروپایی‌ها که بعد از خروج آمریکا از برجام به دنبال سازوکاری می‌گشتند تا با آن تحریم‌های جدید آمریکا را دور بزنند، نهایتاً به «اس‌پی‌وی» رسیده‌اند. اس‌پی‌وی کانالی مالی برای تسهیل تسویه پول اقلام صادراتی ایران به اروپا است. آن‌گونه که رسانه‌های اروپایی اعلام کرده‌اند، ظاهراً این کانال تا سیزدهم آبان به صورت «نمادین» آماده می‌شود، اما عملیاتی شدن آن تا زمستان سال جاری طول خواهد کشید. در راستای اجرای همین سازوکار بود که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز لویح مربوط به FATF را به خانه ملت فرستاد و نمایندگان مجلس نیز به‌رغم مخالفت‌های موجود به آن رای مثبت دادند. اما حالا در فاصله چندماه مانده به اجرای این طرح، رابطه ایران و کشورهای اروپایی روند جالبی به خود گرفته و اروپایی‌ها انگار بهانه جدیدی برای دبه کردن پیدا کرده‌اند. ماجرا از دهم تیرماه شروع شد؛ وقتی اسدالله اسدی، دبیر سوم سفارت ایران در اتریش، برای سفری غیرکاری در آلمان به سر می‌برد، توسط پلیس این کشور دستگیر شد. حالا چند ماهی می‌شود که اسدالله اسدی، دبیر سوم سفارت ایران در اتریش در کشور بلژیک زندانی است؛ مساله‌ای که علاوه بر روابط بین ایران و بلژیک، روابط دیپلماتیک ایران با چهار کشور آلمان، فرانسه، بلژیک و اتریش را هم تحت تاثیر خود قرار داده است. حالا با گذشت بیش از سه ماه از آغاز این ماجرا، شواهدی وجود دارد که جدیت کشورهای اروپایی برای تبدیل کردن این موضوع به مساله‌ای بحرانی را نشان می‌دهد که یکی از آنها فعالیت سه‌ماهه سفارت ایران در پاریس بدون سفیر است. کشور فرانسه به‌رغم طی شدن روندهای دیپلماتیک مربوط به آغاز به کار سفیر جدید ایران در پاریس، فعلاً تا حل شدن پرونده ادعایی بمب‌گذاری از شروع به کار بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه به‌عنوان سفیر جدید ایران جلوگیری به عمل آورده است. از سوی دیگر ایران و اروپا که پس از روی کار آمدن حسن روحانی و دستیابی به توافق هسته‌ای روابط دوستانه‌ای را در پیش گرفته بودند و دستگاه سیاست خارجی ایران نیز با خروج آمریکا از این توافق بین‌المللی، روی حسن‌نیت اروپایی‌ها برای حفظ این دستاورد دیپلماتیک حساب ویژه‌ای باز کرده بود، حالا اما در فاصله چند روز مانده به شروع تحریم‌های نفتی آمریکا، اروپایی‌ها رفتار نگران‌کننده‌ای نسبت به ایران در پیش گرفته‌اند؛ نگرانی از بابت اینکه با وجود تن دادن دولت ایران به خواسته‌های غربی‌ها برای حفظ همان اندک دستاوردهای مبهم برجام، مثل تن دادن به «اف‌ای تی اف»، در دقایق پایانی اروپایی‌ها تجربه‌ای مشابه با ادعای پرونده میکونوس را در دستور کار خود قرار دهند و تجربه اوایل دهه ۷۰ جمهوری اسلامی ایران را پایان دهه ۹۰ برای ایران «تکرار» کنند، رفتاری که نشان می‌دهد اروپایی‌ها به‌رغم اینکه پس از خروج آمریکا از برجام مرتباً بر پابندی خود به تعهدات برجامی خود تاکید می‌کردند و در فرصت‌های مطبوعاتی بر تلاش‌های خود برای زنده نگه داشتن برجام اصرار داشتند، اما حالا که زمان اجرای وعده‌هایشان فرارسیده، همان‌طور که خیلی‌ها در ایران در ماه‌های گذشته هشدار داده بودند، حاضر نیستند مهم‌ترین متحد استراتژیک خود یعنی آمریکا را از دست داده و طرف ایران را بگیرند.

اهداف پشت پرده سفر نتانياهو به عمان

وطن امروز: سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی «بنیامین نتانياهو» به سلطان‌نشین عمان، سوالات و موضوعات مهمی را در عرصه سیاسی و دیپلماتیک منطقه خاورمیانه ایجاد کرده است. چند ماه پیش نتانياهو اعلام کرده بود «ائتلافی در سایه» میان رژیم صهیونیستی و چندین کشور عربی منطقه تشکیل شده است. رژیم صهیونیستی پیش از این، با ۲ کشور عربی اردن در قالب قرارداد «وادی عربیه» و مصر در چارچوب معاهده ننگین «کمپ‌دیوید» مناسبات رسمی دیپلماتیک و سیاسی ایجاد کرده بود. عمان و بعدها امارات نیز این مسیر را ادامه دادند. اما در این میان چندین نکته و مساله مخاطره‌آمیز نیز وجود دارد. در ابتدا عمانی‌ها اعلام کردند اسرائیلی‌ها خواستار دیدار از مسقط بوده‌اند و «بن‌علوی» وزیر خارجه این کشور نیز گفت: «اسرائیل یک کشور حاضر در این منطقه است و همگی ما این را درک می‌کنیم. جهان هم از این حقیقت آگاه است. شاید زمان آن فرا رسیده است که اسرائیل را به عنوان یک واقعیت و یک کشور قبول کنیم». اینگونه اظهارنظرها به معنی نادیده گرفتن تمام جنایت‌ها، اشغالگری‌ها و توطئه‌های رژیم صهیونیستی علیه مسلمانان است و لحظه‌شماری سران کشورهای حوزه خلیج‌فارس برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را نشان می‌دهد. موضوع دیگر فراتر از رسانه‌ای کردن این خبر را باید در شیطنت رژیم صهیونیستی در یارگیری‌های منطقه‌ای و در راستای اهداف توسعه‌طلبانه آمریکا علیه محور مقاومت جست‌وجو کرد. آنان در تلاش هستند عمان را از جمهوری اسلامی ایران دور کنند. مساله «تنگه هرمز» نیز یکی دیگر از دلایل این سفر را تشکیل می‌دهد، اگر آمریکا نتواند با استفاده از بده‌بستان‌های سیاسی مانع از صادرات نفت ایران به بازارهای جهانی شود شاید یکی از سناریوها این باشد که از طریق نظامی اقداماتی را در تنگه هرمز انجام دهد و در همین چارچوب موقعیت ژئوپلیتیک عمان برای آنان بسیار مهم و استراتژیک است. در این میان خبرهایی نیز مبنی بر تلاش صهیونیست‌ها از طریق عمان برای مذاکره غیرمستقیم با ایران شنیده می‌شود. آنان می‌خواهند ایران را مورد آزمایش قرار دهند. به طور کلی این دیدار در ۲ قالب قابل بررسی خواهد بود؛ این سفر یا در چارچوب بررسی‌های اولیه و دیدگاه استشکافی صهیونیست‌ها برای واکنش‌سنجی منطقه‌ای بوده است یا اینکه سرآغازی برای یک تحول جدید در خاورمیانه خواهد بود.

